

بررسی فقهی دخانیات باتکیه برقاعده لاضرر با ارائه راهکارهای پیشگیرانه

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۸

چکیده

از مهمترین مسائلی که تحقیق و بحث درباره آن بر فقیه واجب است، قواعد فقهی است که وسیله ای برای رسیدن به احکام فراوانی در تمام ابواب فقه بوده، و در مباحث و ابواب مختلف فقه، فروع مهمی بر آن مبتنی است یکی از قواعد فقهی، قاعده لاضرر است که تاکنون در مورد آن مباحث مفصلی صورت گرفته است. جستار حاضر با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی در گردآوری اطلاعات، می کوشد با روش توصیفی-تحلیلی، عناوین اصلی و کلیات بحث را توصیف کرده و سپس با استفاده از متون فقهی به بررسی کاربرد قاعده لاضرر در مصرف دخانیات و همچنین به ارائه راه کارهایی در جهت کاهش آن در میان نسل نوجوان و جوان پردازد. نتایج بیانگر آن است که باتوجه به مفاد قاعده لاضرر، انسان ها از ضرر زدن به جسم و بدن خود نهی شده اند و با مصرف دخانیات علاوه بر ضررهای روحی به سلامتی خود نیز آسیب وارد می سازند که این قاعده در حقیقت به عنوان محدود کننده انسان در جهت مصرف دخانیات می تواند کمک قابل توجهی نماید. و در جهت پیشگیری از استعمال آن محیط خانواده و مدرسه و محیط اجتماعی که فرد در آن حاضر می شود نقش اساسی ایفای کند و این محیط ها می توانند از بروز مصرف اعتیاد مداوم جلوگیری کند و همچنین می توانند نوجوانان و جوانان را به استعمال مداوم آن سوق دهند.

کلیدواژگان: دخانیات، قاعده لاضرر، پیشگیری، فقه

مقدمه

یکی از امور مستحدثه که می تواند به عنوان نخستین شبهه حکمیة تحریمیة ((مالانص فیه)) تلقی شود مسأله استعمال دخانیات و سپس خرید و فروش آن است مسأله ای که باوجود سابقه کوتاه ۴۰۰ ساله ی خود، به سرعت مرزهای زمان و مکان و سن و جنسیت و میزان سواد و شئون اقتصادی و اجتماعی را درنوردیده و بخش عظیمی از جامعه بشری را درگیر کرده است و تقریباً همه ساحت های زندگی علم و فناوری را مورد تاخت و تاز قرار داده است. بدیهی است دانش فقه و اصول فقه نیز از نفوذ شگفت انگیز این امر دورنمانده و درآمیختن مسأله شرب توتون بابخش بزرگی از احکام شرعی و مباحث و مسائل اصولی موجب بروز واکنش های بسیار متفاوت و مختلف و صدور احکام کاملاً متضاد باهم شده است افزون براین تاریخ فقاقت نشان میدهد که گاه همین موضوع به ظاهر کوچک چه نقش بزرگی ایفا کرده است و زمانی به برجسته ترین تفاوت میان اخباریون و اصولیون بدل شده است و زمانی دیگر در قالب فتوای تحریم تنباکو و به عنوان یک حکم حکومتی پایه های قدرت سیاسی را متزلزل کرده است و در طول این سال ها صد رساله و کتاب در این باره به نگارش درآمده است که در حقیقت به غنای مباحث اصول و کیفیت استفاده صحیح از عقل در دانش فقه افزوده است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۰) مصرف دخانیات بطور وسیعی در سطح جهان رواج دارد و در مصرف دخانیات با تنوع روشها و محصولات همراه شده به نحوی که امروزه محصولات متنوع با ترکیبات مختلف تولید می گردد. بررسی های وزارت بهداشت نشان می دهد که اکنون ۱۴ درصد از جمعیت ۱۵ تا ۶۳ ساله کشور مواد دخانی مصرف می کنند که جمعیتی بیش از ۸ میلیون نفر را شامل می شود (خالقی، ۱۳۸۸) از مهمترین مسائلی که تحقیق و بحث درباره آن بر فقیه واجب است، قواعد فقهی است که وسیله ای برای رسیدن به احکام فراوانی در تمام ابواب فقه بوده، و در مباحث و ابواب مختلف فقه، فروع مهمی بر آن مبتنی است یکی از قواعد فقهی، قاعده لاضرر است که تاکنون در مورد آن مباحث مفصلی صورت گرفته است. جستار حاضر با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی در گردآوری اطلاعات، می کوشد با روش توصیفی-تحلیلی، عناوین اصلی و کلیات بحث را توصیف کرده و سپس با استفاده از متون فقهی به بررسی کاربرد قاعده لاضرر در مصرف دخانیات و همچنین به ارائه راهکارهایی در جهت کاهش آن در میان نسل نوجوان و جوان بپردازد.

دخانیات جمع دخانیه به معنی اقسام توتون و تنباکو است که برای دودکردن استعمال می شود (معین، ۱۳۷۶: ج ۲) به عبارتی دیگر کشیدنی ها از توتون و تنباکو و جز آن رادخانیات می گوئیم. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۷)

ضرر لفظی است عربی که در لغت عرب برای آن معانی مختلف گفته شده و این اختلاف نیز نشأت گرفته از استعمالات مختلف است. به عنوان نمونه به بعضی از آنها اشاره می کنیم: «صباح اللغه»، ضرر را خلاف نفع می داند. و در «قاموس اللغه»، ضرر را ضدّ نفع معنا کرده است. و در «مجمع البحرین»، ضرر را نقص در حق دانسته است. و در «مصباح المنیر» فیومی، ضرر به معنای عمل مکروه نسبت به یک شخص یا نقص در اعیان تعریف شده است. و در «مفردات راغب» اصفهانی، ضرر به سوء حال تفسیر شده است، اعم از آن که سوء حال نفس بخاطر قلت علم و فضل باشد، یا سوء حال بخاطر فقدان عضوی از اعضا و بخاطر قلت مال و آبرو. (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۴۴) به عبارت دیگر ضرر در معانی ذیل به کار می رود: الف- صدمه جانی زدن به خود و دیگری، خواه به صورت ضرب و جرح باشد و خواه به صورت قتل. ب- تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود. (ضرر معنوی) ج- تعرض به ناموس دیگران. (ضرر معنوی) د- اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر، مانند غضب و خیانت در امانت و اختلاس. ه- ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است (عدم النفع) مانند کندن درختان میوه ای که شکوفه دارند؛ زیرا همین داشتن شکوفه مقتضی دادن میوه است و میوه منفعت درخت است. (همان: ۳۴۵) اضرار دو قسم است: اضرار علی الغیر و اضرار علی النفس. اضرار علی الغیر در حدی که صدق اضرار بکند بلا شبهه حرام است مطلقاً که گفته می شود بر آن دلالت می کند ادله اربعه. کتاب و سنت و اجماع را داریم و دلیل عقلی اش این است که نظام امنیت جامعه را مختل می کند می شود حکم عقلی کلامی که قطعاً در اصول حکم عقلی کلامی معتبر است، به ادله اربعه حرمت اضرار ثابت است. اما اضرار علی النفس یا تضرر که کسی به خودش ضرر وارد کند دو رای وجود دارد: رای مشهور و غیر مشهور. رای مشهور این است که اضرار علی النفس مطلقاً حرام است. انسان اجازه ندارد شرعاً که بر خود ضرر وارد کند مثلاً یک انگشتش را قطع کند یک جا بدنش را زخم کند ضرری وارد کند. مطلقاً وارد کردن ضرر بر خود حرام است (درس خارج فقه استاد سید کاظم موسوی، ۱۳۹۶/۰۹/۲۶)

یک از ادله فقهی که در احکام شرعی می توان با رعایت ضوابط مشخص به آن استناد نمود حکم عقل است. در بحث قاعده لاضرر نیز بدون شک عقل بشر، اضرار به غیر را جایز نمی داند و آن را قبیح می شمارد. بنای عقلاء نیز مبتنی بر این قاعده بوده و در جوامع عمومی به آن عمل می کردند و شارع مقدس نیز از آن ردع و منع ننموده است و از این ره گذر نیز امضای شارع احراز می گردد. از مستندات قاعده لاضرر می توان به آیات قرآن اشاره کرد، همان گونه که خداوند در آیه (وَ لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ) ۱- می فرماید: آن ها که دین را می نویسند و یا شهادت بر آن می دهند در صدد ضرر رساندن نباشند و در آیه (لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ) ۲- این نکته را بیان می کند که هیچ مادری به فرزندش زیان نزند و نه پدری نسبت به فرزندش. و در آیه (وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا) ۳- می فرماید: زنانی را که طلاق می دهید دوباره با رجوعتان به گونه ای نگه ندارید که قصد زیان زدند به آن ها را داشته باشید که این عمل تجاوز است. و در آیه (وَ لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْنَهُنَّ) ۴- می فرماید: همسرانتان را که طلاق می دهید زیان و آزار نرسانید و در مضیقه و رنج نیفکنید.

از مهمترین روایاتی که در قاعده لاضرر به آن استناد می شود روایت سمره بن جندب می باشد که زراره از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمود: سمره بن جندب درخت خرمایی در باغچه مرد انصاری داشت و راه آن از خانه مرد انصاری می گذشت. سمره می آمد و به باغچه می رفت و از انصاری اجازه نمی گرفت. انصاری به سمره گفت: تو می آیی و به باغچه می روی و ممکن است ما در حالتی باشیم که نمی خواهیم تو ما را به آن حالت ببینی. بنابراین هر موقع خواستی بیایی خبر بده تا خودمان را آماده کنیم و سپس به تو اجازه آمدن بدهیم. سمره گفت درخت مال من است و هر وقت خواستم به آن سر می زنم و هیچ وقت از شما اجازه نمی گیرم. انصاری نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد و گفته سمره را بازگو کرد. حضرت به دنبال سمره فرستاد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او فرمود اجازه بگیر. سمره از قبول آن امتناع کرد و همان جوابی را که به انصاری داده بود به پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز داد. حضرت پیشنهاد

^۱ - بقره/۲۸۲: و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند،

^۲ - بقره/۲۳۳: هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری نیز نباید به خاطر فرزندش ضرر ببیند.

^۳ - بقره/۲۳۱: و چون آنان را طلاق گفتید و به پایان عده خویش رسیدند پس به خوبی نگاهشان دارید یا به خوبی آزادشان کنید ولی آنان را برای آزار و زیان رساندن به ایشان نگاه مدارید تا به حقوقشان تعدی کنید

^۴ - طلاق/۶

کرد که سمره آن درخت را به قیمت بفروشد، اما سمره قبول نکرد. حضرت قیمت را بالا می برد و سمره امتناع می کرد. وقتی حضرت وضعیت را چنین دید به سمره فرمود در عوض این درخت یک درخت در بهشت مال تو باشد. باز هم سمره امتناع کرد. حضرت به انصاری دستور داد که آن درخت را کنده و به سوی سمره بیندازد و فرمود لاضرر و لاضرار. (وسائل الشیعه، ۱۳۹۱: ۱۲) امام خمینی در خصوص اعتبار روایت می فرماید: مشایخ ثلاثه (شیخ صدوق، شیخ کلینی و شیخ طوسی) این روایت را با سندهای مختلف نقل کرده اند و همین امر موجب اطمینان به صدور آن از پیامبر صلی الله علیه وآله می گردد. اما آن چه که در متون روایات نقل شده اختلاف هایی است که در برخی از آنها جمله ای وجود دارد که در روایت دیگر یافت نمی شود، ولی ضرری به اصل بحث نمی زند. زیرا اختلافها صوری هستند و اختلاف جوهری نیستند. و این اختلاف ناشی از نقل حدیث به مضمون و معنی و مختلف بودن انگیزه های نقل می باشد. و چه بسا انگیزه نقل بیان تمام خصوصیات آن بوده است و در یک یا چند جنبه بحث مورد نظر بوده است. (امام خمینی ۱۳۸۲ ج ۳: ۸۳) باتوجه به روایت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، سمره بن جندب را از ضرر زدن به مرد انصاری باز می دارد ولی دلالت آن منحصر به ضرر به غیر نیست و شامل ضرر زدن به خود انسان نیز می شود و عرفاً آن چه از واژه ضرر و ضرار برداشت می شود هر دو را شامل می شود.

آرای فقها از قاعده لاضرر

از نظر آخوند خراسانی به نظر می رسد که ضرر در مقابل نفع قرار دارد از آن نقص هایی که یا در نفس و یا اعضای بدن و یا آبرو و یا مال ایجاد می شود. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۶۵) و از نظر امام خمینی (ره) از حدیث لاضرر که پیامبر آن را در ذیل حکم خود درباره سمره بن جندب ذکر کرده دو نکته استفاده می شود: ۱. تحریم آسیب مالی و جانی به دیگران؛ ۲. ممنوعیت ایجاد فشارهای روحی و به وجود آوردن تنگنا و سختی برای دیگران. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۵: ۵۲۰) شیخ انصاری بر این باور است که حدیث لاضرر تنها احکامی را که عمل به آنها موجب ضرر می شود نفی می کند. چگونگی نفی عبارت است از نفی سبب (حکم) به لسان نفی مسبب (ضرر)، و مدلول قاعده، نفی حکم شرعی است که موجب ضرر می شود. بنابراین در حدیث با نفی مسبب (ضرر) نفی سبب ضرر (احکام ضرری) شده است. و مراد از «لاضرر و لاضرار» این است که در اسلام حکم ضرری وضع نشده است، یعنی شارع مقدس نه در احکام تکلیفیه و نه در احکام وضعیه، حکمی را جعل

نکرده است که از ناحیه آن، مکلف، ضرر ببیند. مثل: وجوب وضو برای کسی که تهیه آب برای او ممکن نباشد مگر به پرداخت پول بسیار زیاد که موجب ضرر باشد، در این صورت شارع حکم به وجوب وضو نکرده است. (انصاری، بی تا، ج ۲: ۵۳۵) از دیدگاه شیخ الشریعه، مدلول حدیث، نهی تکلیفی از ضرر رساندن به دیگران است و مدلول قاعده، نهی تکلیفی و حرمت ضرر رساندن است. و مفاد حدیث لاضرر، این است که ضرر زدن به دیگران، شرعاً حرام و مستوجب عقوبت است. وی شواهدی از کتاب و سنت می آورد که، لا، به معنای نهی آمده است. مثل آیه شریفه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» که به معنای نهی از بدکاری و آمیزش با زنان و ستیزه جویی در حج است. (شیخ الشریعه اصفهانی، ۱۴۱۰: ۲۴۱) از دیدگاه شهید صدر، لاضرر دارای دو جانب از عرف است: ۱- موضوعی که ضرر و نقص در مال یا جان یا کرامت است. ۲- ذاتی که در سخن لغت شناسان به معنای بد حالی، تنگی، و شدت بیان شده است و مفهوم ضرر با مفهوم نقص تفاوت دارد زیرا در نقص بعد موضوعی در نظر گرفته می شود و برای وجود انسان اهمیتی ندارد و همچنین ضرر با مفاهیمی همچون دلگیری و خاطر آزرده‌گی نیز تفاوت دارد زیرا این گونه مفاهیم مربوط به بعد نفسی و ذاتی انسان است بدون این که به منشأ آن توجه شده باشد. (شهید صدر، ۱۴۲۰: ۱۳۳) و از نظر محقق داماد، «ضرر» شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، ولی «ضرار» مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به «سوء استفاده از حق» تعبیر می‌شود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سمره را «مضار» خواند، و ناگفته پیدا است که وی با استفاده از حق خود می‌خواست به صاحب منزل زیان وارد سازد قاعده لاضرر، علاوه بر آن که در موارد ضرر شخصی به عنوان دلیل ثانوی می‌تواند دایره ادله اولیه را محدود سازد، حاکی از خط مشی کلی در تشریح احکام اولیه است. به دیگر سخن، قاعده لاضرر در مقام بیان حکم تکلیفی بر مبنای نهی مردم از اضرار به یکدیگر و ترتب عقاب بر اعمال زیانبار نیست، بلکه مفید آن است که اولاً احکام الهی اعم از وضعی و تکلیفی بر مبنای نفی ضرر بر مردم وضع گردیده و ثانیاً چنانچه شمول قوانین و مقررات اجتماعی در موارد خاصی موجب زیان بعضی توسط بعض دیگر گردد، آن قوانین مرتفعند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱: ۱۴۱-۱۵۲) باتوجه به آنچه از آرای فقها بیان گردید قاعده لاضرر شامل حق مادی و معنوی می‌شود و از لحاظ عقل و عرف این قاعده مختص به ضرر جسمی یا مادی نمی‌باشد و دایره شمول آن گسترده است.

قاعده لاضرر و مصرف دخانیات

خداوند می فرماید: (يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلُوبُهُمَا فِيهِمَا كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا)^۱ - باتوجه به تفسیر ترجمان فرقان، المیسر همه کارها و اعمالی است که گناه یا غفلت تأخیر را برای انسان آسان می‌سازد، از جمله قمار یا بازی‌هایی که اگر برد و باخت در آن با تعیین جایزه باشد، تصرف بی‌جا در مال و حال و وقت خود و دیگران را آسان می‌سازد، و اگر برد و باخت بدون جایزه باشد، تصرف در وقت و حال را میسر می‌سازد، که اگرچه منفعی بر این‌ها متصور است، لیکن گناه و ضرر آن بسیار بیشتر است؛ که یکی از دلایل حرام بودن شراب و قمار ضرر بیش از منفعت آن‌هاست، و این پیامی است قرآنی که هر کاری که منافع و مضراتی داشته باشد ولی زیانش بیشتر از منفعت آن باشد، حرام است، از جمله سیگار و سایر مخدرات که طبق دلایلی از جمله این آیه، حرام بودن آن ثابت است. این منافع برای هر مورد می‌تواند جنبه‌های اقتصادی، عقلانی، روحی و روانی داشته باشد، لیکن مضرات آن در ابعاد گوناگون بیشتر است. چنان که میلیاردها دلار بودجه هر ساله صرف تهیه دخانیات و مخدرات می‌شود، و تمام این سرمایه هنگفت با دود به هوا می‌رود، در حالی که جمع کثیری از مردم دنیا از فقر جان می‌دهند (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۵۴).

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید: (فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ)^۲ - از این آیه شریفه می‌توان استفاده نمود که ظلم به نفس حرام و قبیح عقلی است زیرا خداوند در مقام تقبیح عمل نسبت ظلم به نفس را به کفار و فساق داده است بدون بیان حکم آن و از این جا معلوم می‌شود که اتکال به وضوح حکم عقلی آن فرموده است و به قاعده ملازمه بر فرض تمامیت آن می‌توان حکم به حرمت شرعی آن نمود و آلا به ادله خاصه از قبیل دلیل حرمت القاء نفس در هلاکت و غیرها از اخبار ائمه اطهار باید تمسک کرد چنان چه فقهای امامیه هم به طور مسلم ذکر فرموده اند که اضرار به نفس حرام است ولی عملاً می‌بینیم عامه مسلمانان بلکه عدول مرتکب می‌شوند بعضی امور مضره را از قبیل الكل و شرب و استعمال دخانیات و امثال این‌ها و وقتی با اهل علم آن‌ها صحبت می‌شود می‌گویند قدر متیقن از ادله ضرر القاء نفس در هلاکت است و این ضررهای جزئی را شامل نمی‌شود در صورتی که در باب تبدیل

^۱ - بقره/۲۱۹

^۲ - بقره/۵۹

وضو و غسل به تیمم تصریح می نمایند به شدت مرض و بطؤ علاج و جزئی و کلی و همچنین در باب روزه و سایر موارد ضرر با آن که تمام این ها به ملاک ضرر است و اگر دلیل خاصی هم داشته باشد ناظر به همین عنوان کلی عقلی است که شرع هم بر طبق آن حکم فرموده لذا در باب تراحم ضررین و مخالفت ظن با واقع بر طبق همین ملاک فتوی داده اند بطوری که بر فقیه متبوع جای شبهه و تردید باقی نمی ماند که ملاک را ضرر تشخیص داده اند اگرچه جمعی از اصولیون در باب حجیت مطلق ظن انکار این اصل عقلی را نموده اند. (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۹۳) با این وجود، محال است یک حکم حکیمانه بی ارتباط با واقعیت های موجود در زندگی بشر باشد؛ در غیر این صورت، حکم و قانون نیست بلکه گزافه گوئی و خرافه و قلدری است؛ و چون واقعیت یکی بیش نیست طبیعتاً راه مستقیم و محکم و قانون صحیح هم بیش از یکی نمی تواند باشد و این مسأله سبب می شود که ما تمام تلاش و کوشش خود را برای پیدا کردن واقعیت ها و احکام و قوانین نشأت گرفته از آن به کار گیریم. در این جا مثال های روشنی داریم که این مطلب را کاملاً باز می کند: هنگامی که اسلام می گوید: «شراب نخورید!» و یا قوانین بین المللی می گوید: «مواد مخدر ممنوع است!» این ها فرمان های الهی یا مردمی است که بی شک از یک سلسله هست ها سرچشمه گرفته؛ زیرا، واقعیت عینی چنین است که شراب و مواد مخدر تأثیر بسیار مخربی در روح و جسم انسان دارد به گونه ای که هیچ بخشی از آن، از شر این مواد ویران گر در امان نیست؛ این واقعیت، سبب آن باید یا نباید می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۲) به نظر می رسد صرف مال در مواد مخدر و مصرف آن نیز از مصادیق اسراف است. البته برخی از فقها که بحث حرمت اسراف را مطرح کرده اند تصریح نموده اند که صرف مال در مواد مخدر از صغریات قاعده ی حرمت اسراف است اما اعتیاد به الکل و شراب را مورد اشاره قرار داده و هزینه نمودن در آن ها را مصداق اسراف دانسته اند، از همین رو می توان با تنقیح مناظ و بسا با قیاس اولویت هزینه نمودن معتاد برای استعمال مخدر را از نظر آن فقها مصداق اسراف دانست، زیرا کسانی که صرف مال برای شراب را مصداق اسراف دانسته اند به این جهت بوده که اولاً، منجر به ضرر می شود و ثانیاً، مصرف در معصیت خداست و این دو جهت اگر نگوییم به طریق اولی در صرف مال در استعمال مواد مخدر وجود دارد، عیناً یافت می شود، زیرا استعمال مواد مخدر هم منجر به ضرر می شود و هم با توجه به حرمت آن صرف مال در معصیت خداوند است. (جمعی از مولفان، بی تا، ج ۳۵: ۱۳۶)

از دیدگاه شهید مطهری، ما در اسلام دستوری برای استعمال دخانیات نداریم، نه دستور مثبت و نه دستور منفی. نه به ما گفته‌اند استعمال دخانیات حلال است و نه گفته‌اند حرام است. اصلاً آن وقت دخانیاتی نبوده. در این جا اگر عقل و علم برای استعمال دخانیات ضررهای مهمی کشف کردند مثلاً اگر کشف شود و علم ثابت کند که استعمال دخانیات واقعاً ضرر و زیان دارد، اساساً عمر آدم را کم می‌کند، یک ضایعه ایجاد می‌کند- چون می‌دانیم ضایعه ایجاد کردن را دیگر اسلام اجازه نمی‌دهد- مثلاً در ریه واقعاً ضایعه ایجاد می‌کند، تا چه رسد به این که ثابت بشود که مثلاً منشأ سرطان هم هست؛ اگر این مفسده در این جا کشف شود، مجتهد به حکم آشنایی‌ای که با سیستم قانون‌گذاری اسلام دارد و می‌داند هر جا که یک ضرر مهم، یک ضرر قابل توجه برای جسم وجود داشته باشد اسلام آن را اجازه نمی‌دهد، به حکم عقل فتوا می‌دهد: حرام است. این جاست که می‌گویند: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ». این کلام فقهاست. فقها آن جا که گفته‌اند: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» چنین مواردی را گفته‌اند؛ یعنی هر جا که عقل یک مصلحت ملزمی را کشف کند، ما می‌دانیم که شرع هم حکم هماهنگ با آن دارد و هر جا که عقل یک مفسده ملزمی را کشف کند، ما می‌فهمیم که شرع هم در این جا هماهنگ است و لو اساساً در قرآن و حدیث و کلمات علما یک کلمه در این زمینه نیامده باشد (مطهری، بی تا، ج ۲۱: ۲۹۵). با مراجعه به متون فقهی شیعه و اهل سنت به این نتیجه خواهیم رسید که فقهای مذاهب اسلامی و حتی فقهای یک مذهب از گذشته تاکنون به طور یکسان به موضوع مواد مخدر و دخانیات نیز پرداخته‌اند، در فقه شیعه فقهایی چون محقق حلی، علامه حلی، هیدثانی، مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، تریاک یا افیون را در صورتی حرام می‌دانند که ضرر معتنی به یا معتد به (ضرر قابل توجه) داشته باشد این امر بیانگر آن است که این فقها به ضرر قطعی آن یقین نداشته‌اند. علامه حلی در القواعد این چنین بیان می‌کند: چیزی که بسیار کشنده نباشد بسیار خوردن آن حرام است مثل تریاک، اگر زهرهای کشنده از این نوع باشد که مصرف اندک آن مانند تریاک و سقمونیا فایده داشته باشد بیع آن جایز است سپس ایشان در همان کتاب در باب متاجر می‌گوید: بیع تریاک حرام است، به خاطر مشتمل بودن آن بر خمر و لحم الافاعی و کشیدن آن به صورت مداوم جایز نیست مگر این که خوف تلف شدن باشد. مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی در وسیله النجاه می‌نویسند: چیزی که مصرف یک یا دو مرتبه آن زیان آور نباشد اما مصرف زیاد و اعتیاد به آن مضر باشد مصرف مکرر آن مانند تریاک، حرام است که باید از آن برحذر شد. (روح‌اللهی، ۱۳۸۵)

برخی از فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه اخباری، دخانیات را مسکر می دانند. از آن جا که فتوای اغلب فقها هر مسکری نجس است؛ حرمت بیع دخانیات می تواند از باب حرمت اعیان نجس باشد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۰: ۹۰). اخباری‌ها معتقدند که مصرف دخانیات، حرام است زیرا آن‌ها در شبهات تحریمیّه (موارد شک در حرمت) قائل به احتیاط هستند. ولی اصولیون مباح می‌دانند زیرا در این گونه موارد، اصل برائت جاری می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۷۲). در فقه امامیه، شبهه گاهی مربوط به حکم است و گاهی مربوط به موضوع. بر همین اساس، شبهات به دو قسم کلی حکمیه و موضوعیه تقسیم می‌شوند. منظور از شبهه حکمیه آن است که حکم کلی چیزی مورد تردید باشد. جهل به حکم کلی یا ناشی از فقدان نص معتبر است یا اجمال نص و یا تعارض نصوص؛ مثلاً، به علت فقدان نص معتبر در ممنوعیت عملی - مانند استعمال دخانیات - تردید می‌شود. در این مورد شبهه حکمیه است؛ یعنی در حقیقت نمی‌دانیم که آیا حکم این عمل نزد شارع حرمت است یا جواز و اباحه. لذا در مواردی حاکم، در جرم بودن عمل ارتكابی متهم، تردید می‌کند. مقصود از شبهه موضوعیه آن است که شخص حرمت و ممنوعیت عمل را می‌داند، ولی جهل به موضوع حکم دارد؛ مثلاً، می‌داند که شرب خمر در اسلام حرام است ولی نمی‌داند که مایع حاضر از مصادیق خمر است یا آب. در این جا در حقیقت، به علت اشتباه خارجی، تردید حاصل شده است؛ ولی نه در اصل حکم، بلکه در حکم جزئی فرد خاص حاضر. (محقق دامادیزدی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۵۵). احکام حکومتی، مقررات خاصی است که حاکم اسلامی برای اجرای احکام اولی یا ثانوی وضع می‌کند مانند مقررات مربوط به گذرنامه و رانندگی و تشکیلات ارتش و مانند آن که همگی برای برقراری نظم جامعه که وجوب آن از احکام اولیه اسلام است توسط حکومت و زیر نظر حاکم اسلامی وضع می‌شود. احکام حکومتی ممکن است در راستای اجرای احکام اولیه باشد و یا در راستای اجرای احکام ثانویه. مثلاً استفاده از مواد مخدر (و همچنین به عقیده بعضی تمام انواع دخانیات) به حکم لا ضرر حرام است. حکومت اسلامی برای اجرای این حکم، احکام مختلفی در زمینه مجازات قاچاقچیان و چگونگی برخورد با آن‌ها و همچنین معتادان صادر می‌کند. این احکام که مقدمه‌ای برای اجرای حکم ثانوی حرمت مواد مخدر یا دخانیات است، حکم حکومتی محسوب می‌شود. بنابراین هرگز نباید تصور کرد که احکام حکومتی، همدیگر احکام اولی و ثانوی است و حکومت اسلامی، حق قانون‌گذاری به میل و تشخیص خود دارد زیرا شارع مقدس تنها خداست، هر چند گاه به پیامبر اسلام در موارد محدودی، اجازه تشریح داده شده و خداوند آن را معتبر شمرده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۱۶) می‌توان بیان کرد در زمان شارع، تریاک و اعتیاد

به آن وجود نداشته است و ما در ادله نقلیه دلیل خاصی درباره تریاک نداریم اما به دلایل حسی و تجربی زیان ها و مفسد اعتیاد به تریاک محرز شده است، پس ما در این جا با عقل و علم خود به یک «ملاک» یعنی یک مفسده لازم الاحتراز در زمینه تریاک دست یافته‌ایم. ما به حکم این که می‌دانیم که چیزی که برای بشر مضر باشد و مفسده داشته باشد از نظر شرعی حرام است حکم می‌کنیم که اعتیاد به تریاک حرام است. اگر ثابت شود که سیگار سرطان زاست یک مجتهد به حکم عقل حکم می‌کند که سیگار شرعاً حرام است. متکلمین و اصولیون تلازم عقل و شرع را «قاعده ملازمه» می‌نامند، می‌گویند: کل ما حکم به العقل حکم به الشرع یعنی هرچه عقل حکم کند شرع هم طبق آن حکم می‌کند. (مطهری، بی تا، ج ۲۰: ۵۴)

جای شک و تردید نیست که تعلیمات اسلام براساس حفظ و رشد و سلامت جسم است. علت حرمت بسیاری از امور، مضر بودن آن ها به حال بدن است. یکی از مسلمات فقه این است که بسیاری از امور به این دلیل تحریم شده‌اند که برای جسم انسان ضرر دارند، و یک اصل کلی برای فقها مطرح است که هر چیزی که محرز بشود که برای جسم انسان مضر است- و لو هیچ دلیلی از قرآن و سنت نداشته باشد- قطعاً حرام است. البته این را هم می‌گویند که زیان ها بعضی معتد به هستند و بعضی غیر معتد به یعنی زیان آن قدر کم است که قابل اعتنا نیست. اسلام در تکالیف خود حرج ایجاد نمی‌کند؛ یعنی این مقادارها را از نظر اسلام تحریم نمی‌کنند، به صورت مکروه ذکر می‌شود یا می‌گویند ترکش مستحب است. ولی اگر یک چیزی زیانش قطعی باشد و مسلم بشود که زیان دارد، از نظر اسلام قطعاً حرام است. و اگر فقها در بعضی مسائل فتوا نداده باشند، از این لحاظ است که به جنبه مطلب واقف نیستند، یعنی مطلب برایشان روشن نیست که آیا واقعاً ضرر دارد یا ندارد. (مطهری، بی تا، ج ۲۲: ۸۵۴) از دیدگاه امام خمینی، کشیدن سیگار و انواع دخانیات اگر به تصدیق اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد حرام است، ولی مواد مخدر مطلقاً حرام است. (امام خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۹۲۲) و همچنین استعمال مواد مخدر و استفاده از آن ها با توجه به آثار سوءشان از قبیل ضررهای شخصی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای که بر استعمال آن ها مترتب می‌شود، حرام است و به همین دلیل کسب درآمد با آن ها از طریق حمل و نقل و نگهداری و خرید و فروش و غیر آن هم حرام است. (همان: ۱۰۱۷) مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می‌کند: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَخْبِرْنِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَالْمَيْتَةَ وَالِدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَاهُ مِنْ رَغْبَةٍ مِنْهُ فِيمَا حَرَّمَ

عَلَيْهِمْ) وَ لَا زُهْدٍ فِيْمَا (أَحَلَّ لَهُمْ) وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ (فَعَلِمَ) مَا تَقُوْمُ بِهِ أُبْدَانُهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَاحَهُ تَفْضُلًا مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِه لِصَلَحَتِهِمْ وَ عِلْمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَفَنَهَاهُمْ عَنْهُ وَ حَرَمَهُ عَلَيْهِمْ (وسائل الشيعه، ج ۲۴: ۹۹) از دیدگاه آیت الله سبحانی، محل شاهد در این روایت، این جمله است: « وَ عِلْمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَفَنَهَاهُمْ عَنْهُ». پس معلوم می شود هر چیزی که مضر است، خداوند از آن نهی کرده و نهی هم ظهور در حرمت دارد و بحث ما نیز در این است که اضرار به نفس حرام است، هر عملی که سبب اضرار به نفس باشد حرام می شود، از این تعلیل کلیت را استفاده می کنیم، معلوم می شود که: « کلّ مضر بالبدن فهو منهي و المنهي حرام ». (درس خارج فقه، ۱۳۹۴/۰۳/۱۸)

قرآن مجید در آیه ۱۹۵ سوره بقره می فرماید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» طبق آمارهایی که از سوی پزشکان متخصص اعلام شده، مرگ و میر ناشی از دود سیگار در سال به پنج میلیون نفر می رسد! و آمار بیماری های خطرناک قلبی و تنفسی و سرطان ناشی از دود سیگار نیز بسیار بالاست. بنابراین، کشیدن سیگار مصداق إلقاء نفس در تهلكه است. اخیراً با شهادت و گواهی جمعی از پزشکان آگاه، و اساتید متعهد دانشگاه، و با توجه به آمارهای تکان دهنده ای که از مرگ و میر ناشی از سیگار، و بیماری های خطرناکی که از آن نشأت می گیرد، ثابت و مسلم است که خطرات مهم دود سیگار یک واقعیت است، که حتی فرزندان افراد سیگاری و معاشران آن ها از آن در امان نیستند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۷۴)

سیگار که یکی از انواع دخانیات است، عامل اصلی و یا کمکی در پیدایش بیش از ۵۰ نوع بیماری و ۲۰ نوع سرطان در بدن می باشد. و سالیانه ۵ میلیون نفر به علت بیماری های ناشی از سیگار جان می سپارند. (یعنی بیش از تلفات جنگ جهانی اول! چون در طول چهار سال ۱۰ میلیون نفر در آن جنگ کشته شدند، ولی تلفات سیگار در دنیا در چهار سال به ۲۰ میلیون نفر می رسد!) در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۱۰ میلیون نفر در سال به علت بیماری های ناشی از سیگار فوت می شوند. با این تفاوت که ۷ میلیون آن در کشورهای در حال پیشرفت، و ۳ میلیون آن در کشورهای پیشرفته اند! به علت سودآوری صنعت دخانیات برای کمپانی های چند ملیتی، به ویژه شرکت های آمریکایی، و با توجه به محدودیت های جدی در عرضه و مصرف سیگار در کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، میزان مصرف در این کشورها روز به روز در حال کاهش است. و لذا با ترفندهای مختلف به طور رسمی و غیر رسمی (قاچاق) بازار مصرف به سوی کشورهای فقیر و در حال توسعه سوق داده شده است! در

کشور ایران نزدیک به ۱۰ میلیون سیگاری روزانه بیش از سه میلیارد تومان! خرج سیگار می‌کنند. (یعنی در هر سال بیش از یک هزار میلیارد تومان!) به طور متوسط دولت‌ها بیش از دو برابر مبلغ مصرف سیگار، صرف «هزینه بیماری‌ها و درمان عوارض ناشی از سیگار» می‌نمایند. یعنی رقمی نزدیک به ۶ میلیارد تومان در ایران در هر روز. (و در سال بیش از دو هزار میلیارد تومان) سالانه ۵۴ میلیارد نخ سیگار در ایران مصرف می‌شود، که نزدیک به ۱۲ میلیارد نخ آن تولید داخل و بقیه عمدتاً از طریق قاچاق وارد و توزیع می‌شود. (یعنی بیش از ۷۵ درصد پول سیگار به خارج می‌رود) جوانان کشور و نوجوانان (گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۵ سال) هدف اصلی برای ترغیب به کشیدن و اعتیاد به سیگار می‌باشند. سیگار در نوجوانان دریچه ورود به اعتیاد و سایر بزه کاری‌های اجتماعی است. افراد غیر سیگاری، به ویژه کودکان و همسران افراد سیگاری، به همان اندازه در معرض مضرات دود سیگار هستند. و این افراد بی‌گناه به طور اجباری سلامتی خویش را از دست می‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۷۴) مصرف انواع دخانیات بیش از ۴ هزار نوع سنگ و بیش از ۳۵ نوع سرطان می‌آورد. در جهان هر ۶ ثانیه یک نفر از مصرف دخانیات می‌میرد که بیشتر سیگار و قلیان تار و مار می‌کند. در ایران علاوه بر مصرف سیگار مصرف قلیان هم زیاد شده یعنی ۹ میلیون نفر که در آینده نه چندان دور مبتلا به سرطان ریه خواهند شد چرا که ۸۰٪ عامل سرطان ریه مصرف دخانیات است. در نوزادان، اطفال و کودکان اکثر قریب به اتفاق آن‌هایی که مبتلا به سرطان کلیه می‌شوند آن‌هایی هستند که به واسطه غفلت و عدم علم والدین نسبت به تب فرزندان، عفونت کلیه بچه، برگشت ادرار بچه نارسایی کلیه پیدا کرده‌اند. یعنی بچه تب می‌کند به خاطر عفونت مجاری ادراری بچه است ولی والدین علم ندارند. علاوه بر همه این مضرات، دخانیات سرطان‌های پایین تنه هم می‌آورد. در مردان و زنانی که مبتلا به کشیدن قلیان به صورت هر روز هستند این‌ها مبتلا به سرطان ریه و سرطان مثانه می‌شوند (درس طب استاضیایی، ۱۳۹۵/۰۲/۲۶). ازدیدگاه آیت الله تبریزی، اعتیاد به مواد مخدر (تریاک، هروئین و امثال آن) جایز نیست، و کسی که اعتیاد پیدا کرده باید ترک کند؛ و کاری که به قصد ترویج فساد در جامعه و فراهم کردن اسباب آن باشد و مردم را - و لو عملاً به فساد ترغیب کند - به هر یک از عناوین مذکور در سؤال که باشد جایز نیست و علاوه بر آن مخالفت با مقررات که محلّ به نظام باشد جایز نیست و لو شخص قصد فساد نداشته باشد (تبریزی، بی تا، ج ۱: ۵۰۰). اثرات زیان بار مصرف دخانیات چیزی نیست که محل تردید باشد؛ امروزه یافته‌های علوم پزشکی به خوبی عوارض ناسالم استعمال مواد دخانی را شناسایی کرده است. عوارضی که شامل ابتلای مصرف‌کنندگان به انواع بیماری

هابه خصوص بیماری های دستگاه تنفسی می شود. ترکیبات مواد شیمیایی موجود در دود حاصل از مواد دخانی عامل اصلی عوارض ناسالم آن است. آزمایشات پزشکی نشان داده است که تمامی محدوده ای از بدن انسان که در معرض تماس با دود سیگار قرار دارند نظیر لب، دهان، گلو، حنجره، زبان، مری و ریه در خطر ابتلا به سرطان می باشند و ارتباط نزدیکی بین استعمال دخانیات و بروز سرطان لوزالمعده به اثبات رسیده است. (خالقی، ۱۳۸۸)

سیگار و مواد دخانی دارای بیش از ۵۰۰۰ ماده سمی اند که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- زهر نیکوتین که تا چند دهه قبل یکی از سموم حشره کش در کشاورزی بود نیکوتین محرک قوی مغز است و چنانچه پس از اعتیاد به آن مصرف نشود علائمی مثل اضطراب، بی قراری، تحریک پذیری، گرسنگی و کاهش قدرت تمرکز و... به فرد دست می دهد. ۲- ماده قیرمانند به نام قطران که عامل اصلی رنگ تیره ی دود سیگار است ۳- گاز مونواکسید کربن که ظرفیت طبیعی گلبول های قرمز خون برای انتقال اکسیژن را به شدت مختل می سازد و بطور جبرانی، غلظت خون ایجاد می شود که این امر به ویژه در بانوان باردار، عوارض بدی را برای می گذارد و کودک نارس بدنیا می آید ۴- پولونیوم که یک ماده ی رادیواکتیو است ۵- بنزن که یک ماده شیمیایی سرطان زا است ۶- مواد معطری که شرکت های سازنده به توتون می افزایند ۷- مواد موجود در سیگارهای الکترونیک نیز عوارض بهداشتی وخیم در پی دارند این سیگارها دارای یک باتری هستند که دود گرم ایجاد می کند و مواد موجود در کپسول داخل سیگار را به تدریج آزاد می سازد. ضرر سیگار الکترونیک کمتر از سیگار معمولی نیست و افزودن مواد معطر و اسانس آب نبات موجب افزایش رغبت جوانان و بالارفتن میزان معتادان به سیگار می شود (اشرفی، ۱۳۹۰) دود سیگار تنها برای مصرف کنندگان خطرناک نیست بلکه انتشار دود در اماکن سرپوشیده برای دیگران نیز خطر آفرین است. زیان های ناپیدای اقتصادی دخانیات به شکل مستقیم و غیر مستقیم انکارناپذیر است وجه ناپیدای اقتصاد دخانیات که به اقتصاد تلخ نامیده شده مربوط به زیان های مالی است زیان های گزافی که به واسطه استعمال این مواد مضر به بار می آید زیان های مزبور مثلثی را تشکیل می دهد که اضلاع آن، مصرف کننده، جامعه و خانواده خواهند بود این زیان ها عمدتاً منابع مالی است که برای درمان انواع بیماری های ناشی از مصرف دخانیات تخصیص می یابد. (خالقی، ۱۳۸۸) بنابراین مصرف چنین موادی در حقیقت مصداق ضرر زدن به جسم و روح است که در این قاعده با توجه به نظریه فقها نفی یانهی شده است که در هر دو صورت از انجام چنین کاری انسان را باز می دارد و به نظری رسیدگی از علل

حرام بودن استفاده از سیگار و دخانیات توسط فقها به همین قاعده برگردد که پیامبر اکرم (ص) در داستان سمیره، ضرر زدن را امری حرام بیان می کند و می توان گفت پیامبر اکرم (ص) این حکم را برای عموم مردم و برای اقسام ضرر چه مادی و چه معنوی و چه ضرر رساندن به دیگران ضرر رساندن به بدن و نفس بیان کرده اند که می توان اینگونه برداشت کرد که بانظریه امام خمینی که این قاعده را به عنوان یکی از احکام حکومتی قرارداد انده موافق تر باشد.

تأثیر محیط خانواده و دوستان بر مصرف مواد مخدر

از نظر صاحب نظران، خانواده اولین و مهمترین محیطی است که فرد در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا میکند. بر اساس تحقیقات روانشناسان و جامعه شناسان، تجارب سالهای اوان کودکی که معمولاً در خانواده حاصل میشود، سازنده شخصیت و زیربنای رفتارهای بعدی فرد است (احدی و بنی جمال، ۱۳۷۶) از نظر براون و فرانسیس (۱۹۹۳) سهل انگاری والدین در انتقال اطلاعات صحیح و «عدم آموزش مهارت های زندگی» به فرزندان، مشکلات عدیده ای را در زندگی اجتماعی آنان به وجود آورده است. این در حالی است که بسیاری از والدین به درستی نمیدانند چگونه باید آموزش های لازم را به فرزندان خود بدهند. تجربیات نشان داده اند که عدم کار آمدی پدر و مادر می تواند منجر به پرورش فرزندان مبتلا و بیمار گردد. فرزند پروری و وظیفه ای بسیار سنگین است و برای فرزند دار شدن باید شرایطی نظیر آمادگی جسمانی، روانی، معنوی، اقتصادی اجتماعی و دانش لازم و امکانات مناسب داشت (غزالی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۵۶) تاریخ به ما آموخته است که تواناترین جوامع، آنهایی بوده اند که خانواده در آنها قویترین بنیاد و سازمان را داشته است خانواده نقش بسیار مهم و تاثیر گذار در تربیت انسانهای آگاه، مسئول و سازگار با تغییرات و تحولات شتابان و اجتناب ناپذیر امروز ایفا می کند. خانواده اولین محیط تعلیم و تربیت و رشد فضایل اخلاقی کودک است و سنگ بنای اخلاق در آنجا نهاده می شود که در آن نقش مادران دیگران پررنگ تر است و نقش بیشتری در بهداشت و سلامت روان و رشد و تربیت کودک دارد چرا که نخستین رابطه مستقیم کودک با مادر است بنابراین وظیفه مادر در برابر کودک بیشتر و سنگین تر است (قاسمی، ۱۳۸۲) عدم آموزش صحیح به افراد جامعه از طریق خانواده و آموزش و پرورش سبب گسترش ناهنجاری های اجتماعی همچون اعتیاد می شود: بسیاری از والدین نسبت به آموزش صحیح فرزندان خود منفعلانه عمل کرده و یا به درستی توانایی پیشگیری از اعتیاد فرزندان شان را ندارند بنابراین لازم

بوده علاوه بر ارتقاء آگاهی والدین نسبت به موضوع اعتیاد آنها را با راه‌های صحیح آموزش و برخورد مناسب با فرزندان آموزش داد والدین در انتقال ارزشها نقش الگو را بر عهده دارند. کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آنها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آنها پرهیز میکند. والدین آنگاه در تربیت دینی توفیق میابند که خود به آنچه میگویند عامل باشند (شاکری نیا، ۱۳۸۳، ۱۶۳) و اگر والدین اعتیاد به مخدر داشته باشند نمی توانند در بازداشتن فرزند از مواد مخدر موفق عمل کنند. خانواده اساس صحت اخلاقی فرد را بنیانگذاری میکند و ارزشهای اخلاقی را در او نهادینه میسازد (حجتی، ۱۳۸۵، ۳۸) به نظر روان شناسان سال های اولیه کودکی در رشد و شخصیت و آینده او نقش بسزایی دارد بیشتر شناخت های کودک از خود و اطرافیان و محیط نیز در این دوران شکل می گیرد میزان سلامت جسمانی و روانی کودک بسته به ارتباطی است که خانواده با وی دارد و اینکه تا چه حد تلاش می کند نیازهای او را برآورده سازد کودکانی که در این سال ها از نظر عاطفی و امنیتی در خانواده تامین نمیشوند به انواع سختی ها دچار می گردند مشکل این کودکان بیشتر ناشی از بی نظمی ها، دروغ گویی ها و حرف نشنیدن های ساده آغاز می شود و با توجه به وضع نابسامان خانواده به بزهکاری ها و جنایت های دوران بزرگسالی می انجامد (شعاری نژاد، ۱۳۸۲) ارزشیابی ها نشان میدهد که برنامه های پیشگیرانه‌ای که بر پویایی های خانواده تمرکز می کنند، بیشترین اثربخشی دارند. اگرچه رویکردهای پیشگیرانه متمرکز بر کودکان و نوجوانان که بر آموزش مهارت های فردی و اجتماعی تاکید دارد، اثربخش هستند، اما اثرات بسیار محدودی در پیشگیری یا کاهش مصرف مواد به جا میگذارند (کامفر و همکاران، ۲۰۰۲) ویژگی مهم دوران نوجوانی استقلال طلبی نوجوان است اومی خواهد به شیوه ای رشد و استقلال خود را به خانواده ثابت کند بر این اساس فاصله میان خود و خانواده را بیشتر می کند و به گروه همسالان نزدیک می شود در صورتی که خانواده در این دوران با کارکردهای اساسی خود آشنا نباشد ویژگی دوران نوجوانی را شناسد کارکرد تربیتی درستی نخواهد داشت چه بسا رفتارهای نادرست اعضای خانواده و فضای نامناسب آن نوجوان را بیشتر از این محیط دور می سازد (شرفی، ۱۳۷۲، ۴۴) خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می دهد. همه چیز این محیط و بخصوص عوامل انسانی آن بسیار تأثیرگذار است؛ و تأثیرپذیری کودک و روابط عاطفی درون خانواده بر آن می افزاید سال های نخست تربیت بسیار اهمیت دارد زیرا در این سال هاست که ساختار جسمانی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی شکل می گیرد کودک در خانواده چشم به جهان می گشاید و

عادات و اخلاق خود را از خانواده فرامی گیرد، و روابط انسانی و عاطفی را در آنجا می آموزد. پدر و مادر به کفالت کودک قیام می کنند و به تربیت او اهتمام می ورزند و کودک به سبب میل به تقلیدش، از پدر و مادر تقلید می کند و به شدت تحت تأثیر اموری قرار می گیرد که او را احاطه کرده است رشد جسمانی کودک تحت تأیر محیط خانوادگی و مسائل مختلف زندگی خانوادگی است کودک از تمام گرایشها و محرکهای درون خانواده تأثیر می پذیرد و رفتار او به تبع رفتار خانواده شکل می گیرد (دلشادتهرانی، ۱۳۸۲، ۴۸)

در صورتی که کودک در سال های نخست والدینش را از دست بدهد به عدم رشد اجتماعی دچار می شود و تحقیقات نشان می دهد نوجوانانی که دارای روابط خانوادگی گرم می باشند در مقابل تنیدگی زادچهار مشکل کمتری نسبت به نوجوانانی که فاقد این حمایت هستند می شوند (چاووشی فر، ۱۳۷۹) در خانواده ای که مهر و محبت وجود دارد زوجین با آرامش و آسایش و علاقمندی به یکدیگر در آن زندگی می کنند با توانمندی بیشتری می توانند به تربیت فرزندان خود بپردازند و وقتی فرزند در کانون پر از محبت و عاطفه پرورش یابد روح او نیز آرام است و بهتر رشد می کند و با الگوگیری از والدین خود در آینده همسری مهربان و کارآمد خواهد بود و خانواده ای کارآمد نیز تشکیل خواهد داد این کارآمدی نسل به نسل منتقل می شود و جامعه ای پر از شور و نشاط و کارآمد شکل می گیرد. رفتار محبت آمیز، روح و روان انسان را از هرگونه گردوغبار و پلیدی پاک و تطهیر و سلامت آن را تأمین می کند انسان در پرتو این طهارت و سلامت با آسایش و آرامش، همت خویش را برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی به کار می بندد و در مقابل با آسیب های روانی و اخلاقی چون دژی محکم و استوار می ایستد و اجازه ورود بیگانه را به زمینه جاننش نمی دهد اگر فرزند کرامت دیدوبه شخصیت حقیقی اش احترام گذاشته شد با شخصیت و با فضیلت می شود و چنانچه مورد تحقیر و اهانت قرار گیرد، رشد و فضایل در او متوقف می شود و به انحراف و کجی می گراید (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸) خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی عاطفی، کانون رشد، شفا بخش و تحول و یابروز آسیب هایی است که می تواند بسترسازی شکوفایی یا فروپاشی فرد و روابط اعضای خود باشد از سوی دیگر خانواده شالوده ای اساسی در ساختار اجتماعی جوامع است که سلامت یا آسیب آن قوام یا اضمحلال جامعه رادری دارد (حسینی پوروهمکاران، ۲۰۱۲) خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در به هنجار نمودن فرزندان ایجاد می کند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۵۰) نتایج تحقیقات نشان می دهد که مصرف مواد مخدر

در میان فرزندان خانواده های از هم گسیخته بیشتر است. یک فرد معتاد در خانواده می تواند فرزندان و همسر را نیز به مصرف مواد ترغیب نماید. پس به کارگیری راهکارهای پیشگیرانه بدون کمک و همکاری فعالانه والدین و خانواده غیر ممکن است. برای برخورد با مشکل مواد مخدر در جامعه باید دست در دست هم در قالب یک طرح ملی حرکت کرد و فرزندان که سرمایه های ارزشمند جامعه هستند را از گزند آسیب های اجتماعی - روانی حفظ کرد (غزالی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)

تأثیر فردی بر مصرف مواد مخدر

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندان شان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال ۱۹۵۹ صورت گرفته است، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی گزارند و ۵۳ درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند (طالبان، ۱۳۸۰، ۳۸)

اغلب افراد در دنیای امروز باناسامانی های روانی، اضطراب و افسردگی رنج می برند و اگر انسان در پی درمان واقعی خویش باشد بایستی به درمان های واقعی بپردازد بسیاری از پژوهش هانشان می دهد بسیاری از ریشه های آسیب اجتماعی در ضعف بودن ارتباط انسان با خدا، دوری از فرائض دینی و اقامه کردن نماز است امروزه بسیاری از روانشناسان دریافته اند که دعا و نماز، ایمان قوی، افسردگی و اضطراب را دفع می کند و منجر به احساس باطراوت و نشاط در همه وجود انسان می شود (افروز و همکاران، ۱۳۸۶) اگر انسان از عبودیت دیگران آزاد بشود و عبودیت خدا را بپذیرد که لایق این است که انسان عبد او باشد کارهایی که انجام می دهد، انحراف ندارد؛ یعنی انحراف عمدی نخواهد کرد، تا رابطه انسان با خدا اصلاح نشود، هیچ امری بدرستی اصلاح نمی شود، و چون این رابطه اصلاح شود، اصلاح دیگر امور بدرستی ممکن می شود یکی از نیازهای فطری انسان نیاز به عبادت و پرستش است در دین اسلام اگر نماز با آداب و شرایطش به جا آورده شود انسان رانه تنهابه آرامش کامل می رساند که او را بتدریج از سطوح پائین تحولی بالا برده و به سطح متعالی می رساند (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۰، ۶۳) دورکیم معتقد است: مومنی که با خدا را از نیازی می کند نه تنها انسانی است که به حقایق جدیدی دست می یابد بلکه انسانی است که خود را قدرتمند احساس می کند و در درون خود نیروی بیشتری احساس می کند و توانایی بیشتری در غلبه بر سختی ها و مشکلات دارد به نظر او عملکرد تسکینی دین بویژه در ایام

ناامیدی دارای اهمیت است به همین خاطر در بین افراد دیندار کمتر جرم و جنایت و خودکشی و پرخاشگری مشاهده می شود (خزایی، ۱۳۸۰) خدای سبحان، انسان را طوری آفرید که اگر گرد دنیا طلبی روی چهره آینه جانش ننشیند، هم خدا را می بیند، هم خدا را می طلبد هم تقوا را می شناسد، هم راه فجور را؛ و هم از فجور می رهد و به تقوا می رسد. وقتی به تقوا رسید کریم می شود، چون مدار کرامت، تقواست در غیر محور تقوا، کرامت نیست. بنابراین مایه کرامت که تقواست، به نهاد انسانی الهام شده است، همچنان که فجور که مایه دنائت است، اعلام شده است. بنابراین باید زمینه و عوامل شکوفا شدن کرامت آدمی را فراهم کرد و گرایش او را به کرامت رشد داد و با روشهایی کریمانه با انسان رفتار کرد (دلشادتهرانی، ۱۳۸۲: ۸۴)

تأثیر محیط اجتماعی بر مصرف موادمخدر

آموزش مهارت های زندگی برای آماده سازی و تحول سالم کودک و نوجوان ضروری است و مهارت های زندگی بسیار متعدد است و ماهیت و تعاریف آنها نسبت به موقعیت ها و فرهنگ ها و جوامع گوناگون تغییر می یابد این مهارت ها در قالب ساختارهایی چون عزت نفس، خودکارآمدی، تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، درک خود و مهارت های اجتماعی تجلی می یابد و به طور ضمنی و آشکار از طریق نهادهای اجتماعی مثل: خانواده، مدرسه، معلمان و رسانه ها به کودکان و نوجوانان آموزش داده می شود آگاهی از اصول مهارت های زندگی یکی از راه های پیشگیری از آسیب های روانی و اجتماعی و استفاده کاملتر و بهتر از مواهب و نعمات زندگی گردیده است و زندگی را مملو از تحرک، نشاط، و شادابی می کند و آگاهی و به کارگیری مهارت های زندگی نقش مهمی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی دارد و این امر می تواند در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها برای کاهش آسیب های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۲) آنچه شخصیت آدمی را شکل می دهد بی شک متأثر از فضایی است که در آن پرورش یافته است آنچه می پسندد نشأت از آن چیزی می گیرد که در گذشته اش مشاهده نموده و آنچه می داند همانی است که در کودکی و نوجوانی آموخته است بنابراین ایجاد محیطی آرام و دوست داشتنی و لذت بخش موجب جلب توجه و تمایل دانش آموزان برای حضور در مدرسه و ارتقای سلامت روانی آنان می شود (عظمتی و همکاران، بدون شک ناآشنایی کافی کودکان و نوجوانان با مهارت های اجتماعی ریشه اغلب آسیب پذیری های اجتماعی آنهاست؛ از این رو بررسی نقش آموزش مهارت های اجتماعی در کاهش آسیب های اجتماعی در مدارس می تواند بسیار کمک کننده باشد.

آموزش و پرورش، ۱۲ سال با افراد ارتباط دارد ضمن آنکه مدرسه یکی از مورد وثوق‌ترین محیط‌های اجتماعی است. از سوی دیگر مردم و خانواده‌ها نیز در زمان حضور فرزندان‌شان در مدرسه، با این محیط در ارتباط هستند. بنابراین دانش‌آموزان در سنی قرار دارند که اگر اطلاعات کافی به آنها داده شود، به ندرت در سنین بالاتر درگیر آسیب‌های گوناگون از جمله آسیب‌های ناشی از مواد مخدر می‌شوند. آموزش و پرورش بهترین فرصت برای آموزش و آرایه اطلاعات به دانش‌آموزان است. یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع جرم، آموزش و آگاهی افراد از قوانین و مجازات‌های مربوط به جرائم می‌باشد از نمونه‌های پیشگیری از جرم تلاشی برای بهبود آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان در جامعه و کوشش در جهت بالا بردن آگاهی و مقاومت پذیری همزمان با رشد و بزرگ شدن ایشان می‌توان اشاره کرد (محمدنسل، ۱۳۹۱، ۴۱) باید در مسیری حرکت کنیم که نوجوانان و جوانان در مدارس توانایی "نه گفتن" مقابل پیشنهاد دوستان را داشته باشند و این از طریق برگزاری کلاس‌های مهارت زندگی و آموزش از طریق معلمان در مدارس امکان پذیر است. باید افراد این مهارت را فراگیرند که در مقابل شرایط نامساعد بایستند و برای دور شدن از آن و حل مسئله به اعتماد به عنوان یک مسکن روی نیاورند.

نتیجه گیری

آنچه در جستار حاضر بررسی شد بیانگر آن است که با توجه به مفاد قاعده لاضرر، انسان‌ها از ضرر زدن به جسم و بدن خودنهی شده اند و با مصرف دخانیات علاوه بر ضررهای روحی به سلامتی خود نیز آسیب وارد می‌سازند که این قاعده در حقیقت به عنوان محدودکننده انسان در جهت مصرف دخانیات می‌تواند کمک قابل توجهی نماید. با توجه به مفاد قاعده لاضرر، اگر ضرر، معتدبه باشد حرام است و حکمی عقلی و روایی است و اضرائیه نفس از مصادیق ظلم است و ظلم هم کاری قبیح است و می‌توان گفت چنین اضرائیه عقلی و شرعاً حرام است بنابراین مصرف دخانیات نیز حرام است و با اینکه می‌تواند فایده اندکی داشته باشد ولی مضرات آن بیشتر است و هزینه کردن برای آن ضایع کردن سلامتی و اموال است که برخلاف شرع و عقل است. خانواده و محیط تاثیر بسزایی در مصرف مواد مخدر دارند خانواده در تربیت سهم بسزایی دارد و سهم تربیت مختص به مدارس و آموزش و پرورش نیست و یکی از نیازهای اساسی دانش‌آموزان نیاز به محبت از جانب والدین است و این نیاز از فطریات هراسانی است که اگر از جانب خانواده‌ها پاسخ داده نشود در محیط بیرون از خانواده با معاشرت با افراد ناسالم

پاسخ داده می شود و نسبت به خانواده رویگردان می شود. و همچنین والدین هرآنچه رامی آموزند باید خود به آن عمل کنند و بین سخنان و عملشان هماهنگی وجود داشته باشد و یا اگر در مواردی ناهماهنگی رخ داد دلایل و توجیهاتی را برای فرزندان بیان کنند. از راهکارهای دیگر برای جلوگیری از گرایش دانش آموزان به مواد مخدر می توان به ایجاد امکانات رفاهی و ورزشی و آموزشی در محل ها و روستاها اشاره کرد از راهکارهای کنترل مصرف مواد مخدر در بین دانش آموزان، تقویت رابطه با خداوند و افزایش ایمان آنها می باشد.

منابع

- القرآن الکریم
- احدی، حسن، بنی جمالی، شکوه السادات (۱۳۷۹) روان شناسی رشد، چ ۱۲، پردیس
- افروز، غلامعلی، خانبانی، مهدی، چیتی، پریسا (۱۳۸۶) ورود به گنجینه بزرگ و نشاط و سلامت، ایران، ش ۳۷۸۱
- ارفی، منصور، اشرفی، مرتضی (۱۳۹۰) سیگار تهدید برای سلامت جامعه، مکتب اسلام، سال ۵۱ ش ۴
- تبریزی، جعفری، محمد تقی (۱۴۱۹) رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت، چ ۱
- تبریزی، جواد بن علی (بی تا) استفتاءات جدید، قم: بی جا
- ثقفی، تهرانی، محمد (۱۳۹۸) روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: انتشارات برهان، چ ۲
- جمعی از مؤلفان (بی تا) مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چ ۱
- خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۸) مصرف دخانیات و ابعاد حقوقی مقابله با آن، پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۱ ش ۲۶
- خزایی، علیرضا (۱۳۸۰) نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاق جامعه، مجموعه مقالات همایش معلم و فرهنگ و مدرسه، ۱۲۸-۱۳۸
- ذوالفقاری، علیرضا، خلجی، رضا (۱۳۹۰) بررسی عوامل موثر بر میزان حضور دانشجویان دین و ارتباطات، تهران: قومس
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲) سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا
- روح اللهی، روح الله (۱۳۸۵) مواد مخدر و دخانیات از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی، فصلنامه فروغ وحدت، سال ۲ ش ۶
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) درآمدی بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش
- شاکری، نیا، ایرج. (۱۳۸۳) تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده. مصباح، ۵۰.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۲) دنیای نوجوان، تهران: تربیت
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۲) روان شناسی رشد نوجوانی و جوانی، تهران: پیام نور
- شیخ الاسلامی، رضا (۱۳۹۰) تجارت دخانیات در فقه، پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم ش ۸
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸) ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، قم: شکرانه، چ ۱

- صفورایی پاریزی. محمد مهدی (۱۳۸۸) اثربخشی رعایت آموزه های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده، معرفت اخلاقی س اول ش ۱
- طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸) حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲
- طالبان محمدرضا (۱۳۸۰)، دینداری و بزهکاری، تهران، فجر اسلام، ص ۳۸
- غزالی اصفهانی، حسین (۱۳۸۸) دانستنیهای اعتیاد، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه
- قاسمی، سلیمان (۱۳۸۲) آموزه های بهداشت و سلامت روان با توجه به سیره علمی و عملی پیامبر (ص) و امام علی (ع)، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- گلپایگانی، لطف الله صافی (۱۴۱۷) جامع الأحکام، قم: انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، چ ۴
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (بی تا) جامع المسائل، قم: انتشارات امیر قلم، چ ۱۱
- محمدنسل. غلامرضا و همکاران (۱۳۹۱) کاربرد مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی، تهران: میزان
- مطهری، مرتضی (بی تا) فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم: صدرا، چ ۱
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷) اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چ ۱
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷) استفتاءات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۲
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷) دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۱
- موسوی خمینی، سید روح اللّه (۱۴۲۴) توضیح المسائل (محشّی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۸
- نجفی، محمود و همکاران (۱۳۹۲) پیشبینی آسیبهای اجتماعی بر اساس مهارتهای زندگی در دانش آموزان، مجله روانشناسی مدرسه، دوره ی دوم ش
- یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶) قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۲
- دروس خارج برگرفته از سایت فقاقت

- Brown, B. & Francis, S. (۱۹۹۳). Participation in school : Perception of self & family. *Adolescence* , ۲۸, ۳۸۳-۳۹۱
- Hosseinbor, M., Bakhshani, N., & Shakiba, M. (۲۰۱۲). Family functioning of addicted and nonaddicted individuals: A comparative study. *Int J High Risk Behaviour Addict*, ۱(۳), ۱۰۹-۱۱۴.
- Kumpfer, K. L. , Alvarado, R. , Tait, C. , and Turner, C. (۲۰۰۲). Effectiveness of school-based family and children's skills training for substance abuse prevention among ۸-۶ year old rural children. *Psychology of Addictive Behaviors*, ۶۵ , ۱۶-۳۷۱.